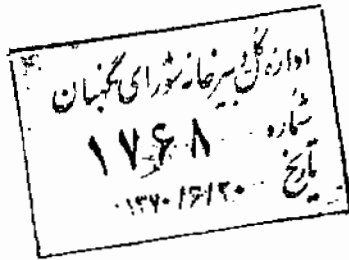




جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور ۱۵۷۱

باسمه تعالی



ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای کروبی

لایحه تجدید نظر در آرای دادگاهها که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری در

جلسه مورخ ۱۳۷۰/۵/۳۰ هیات وزیران به تصویب رسیده است جهت طبعی

تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد .

اکبرهاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور
۷۰/۶/۱۸

۱۵۶۸۱

۱۳۷۰ / ۶ / ۱۸

رونوشت

— وزارت دادگستری — شورای نگهبان .

— معاونت حقوقی و امور مجلس .

— دفتر رئیس جمهور — دفتر معاون اول — دفتر هیات دولت .



باسمه تعالی

مقدمه توجیهی

نظریه اینکه "قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها ونحوه رسیدگی به آنها" مصوب سال ۱۳۶۷ به علت امکان تجدید نظر خواهی متعدد و مکرر حتی در احکامیکه موضوع و خواسته آنها ناچیز می باشد عدم تعیین مهلت و زمان مشخص برای اختومه شدن پرونده ها ، تعدد مراجع تجدید نظر و یک سلسله مشکلات عملی دیگر ، باعث کندی جریان دادرسی و معطل شدن اصحاب دعوی گردیده است لایحه " تجدید نظر آرای دادگاهها " به شرح زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می گردد .

" لایحه تجدید نظر آرای دادگاهها "

ماده ۱- آرای دادگاهها اعم از حکم یا قرار در مواردی که مطابق این قانون قابل تجدید نظر است در مراجع زیر بررسی و در صورت لزوم نقض می گردد و به شرح مواد آتی مورد رسیدگی مجدد قرار می گیرد .

ماده ۲- مرجع تجدید نظر نسبت به آرای دادگاههای کیفری دو ، کیفری یک و حقوقی دو ، حقوقی یک و نظامی دو ، نظامی یک همان محل می باشد و چنانچه در محل دادگاه مربوط نباشد ، حسب مورد تجدید نظر در دادگاه کیفری یک یا حقوقی یک یا نظامی یک مرکز آن استان بعمل خواهد آمد و اگر در مرکز استان ، دادگاه صالح به رسیدگی نباشد به دادگاه هم عرض نزد یکترین مرکز استان مجاور فرستاده می شود .

ماده ۳- مرجع نقض و ابرام آرای دادگاههای کیفری یک و حقوقی یک و نظامی یک و مدنی خاص و انقلاب دیوانعالی کشور می باشد .

تبصره - هرگاه دادگاه حقوقی یک یا کیفری یک یا نظامی یک در نصاب دادگاه حقوقی دو یا کیفری دو یا نظامی دو ، رسید نماید مرجع تجدید نظر شعبه دیگر همان دادگاه در صورت نبودن شعبه دیگر حسب مورد دادگاه حقوقی یک یا کیفری یک مرکز آن استان و در صورت عدم وجود دادگاه صالح در مرکز آن استان ، دادگاه هم عرض مرکز استان مجاور خواهد بود .

ماده ۴- هرگاه از رای دادگاه کیفری دو یا حقوقی دو یا نظامی دو درخواست تجدید نظر شود ، مرجع تجدید نظر بنحو زیر عمل خواهد نمود :

جمهوری اسلامی ایران
نماینده
(۲)

۱- اگر رای راجع به ماهیت دعوی نباشد و بصورت قرار باشد پس از فسخ آن، پیرونده راجع رسیدگی ماهوی به همان دادگاه بدوی ارجاع می نماید.

۲- اگر رای راجع به ماهیت دعوی و بصورت حکم باشد پس از فسخ حکم، باید خود وارد ماهیت شده، رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید.

۳- هرگاه مرجع تجدید نظر حکم را مطابق قانون و مواد استنادیه تشخیص دهد و در مبادی آن اشکالی نبیند اما مجازات تعیین شده را مقتضی تخفیف بداند می تواند ضمن تأیید حکم، مجازات مقرر را تخفیف دهد.

۴- در صورتی که متهم را بیگناهداند حکم را نقض و او را تبرئه می نماید هر چند که محکوم علیه درخواست تجدید نظر نکرده باشد و تنها دادستان یا یکی دیگر از کسانی که حق تجدید نظر خواهی دارند، تقاضای تجدید نظر نموده باشند.

تبصره ۱- در امور حقوقی مرجع تجدید نظر فقط نسبت به آنچه مورد درخواست تجدید نظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت از حکم که مورد درخواست تجدید نظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد.

تبصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید مگر اینکه دادستان از این جهت درخواست تجدید نظر نموده باشد.

ماده ۵- دیوان عالی کشور در مورد احکام دادگاههای حقوقی یک و کیفری یک و نظامی یک و انقلاب و مدنی خاص شرح زیر اقدام می نماید:

۱- اگر رای مطابق قانون و دلائل موجود در پرونده باشد آنرا ابرام می کند.

۲- اگر رای فرجام خواسته شده از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون و بارعایت یا عدم رعایت جهات مخففه و مشدد و یا نقائصی نظیر آنها متضمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نسازد، دیوان عالی کشور اشتباه را رفع و رای را ابرام خواهد نمود.

۳- هرگاه در تعیین مجازات، اشتباه "به ماده دیگر قانونی استناد شد مولی از این اشتباه تغییری در میزان مجازات حاصل نشده باشد حکم ابرام ولی اخطار لازم به محکمه تالی داده خواهد شد. مفاد این بند در مورد بند (۲) نیاز اجرامی شود.



(۳)

۴- هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی صادر شد می‌بایست برخلاف قانون صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی در آن نشده و عدم رعایت تشریفات مذکور، به درجه‌ای اهمیت داشته باشد که رای را از اعتبار قانونی بیاندازد یا بدون توجه به دلائل یا مدافعات اصحاب دعوی یا بانقض تحقیقات صادر شده باشد، رای را نقض و بشرح زیر اقدام می‌نماید:

الف- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد، دیوانعالی کشور رای را نقض و بلا ارجاع می‌نماید.

ب- اگر رای منقوض قرار باشد، یا حکمی بعلت نقص تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه صادر کنند رای، ارجاع می‌شود.

ج- اگر حکم بعلت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شده باشد به دادگاهی که دیوانعالی کشور آن را صالح می‌داند، ارجاع می‌شود.

د- در سایر موارد پس از نقض حکم، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه دیگر همان دادگاه یا دادگاه هم عرض (به تشخیص دیوانعالی کشور) ارجاع می‌گردد.

ماده ۶-

۱- در صورت نقض قرار در دیوانعالی کشور، دادگاه مرجوع الیه باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود.

۲- در صورت نقض حکم بعلت نقص تحقیقات، دادگاه مرجوع الیه باید تحقیقات مورد نظر دیوانعالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور حکم نماید.

۳- در صورت نقض حکم بعلت عدم صلاحیت ذاتی، دادگاه مرجوع الیه نباید قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

۴- در صورت نقض حکم بعلت عدم انطباق آن با قانون و در سایر موارد دادگاه مرجوع الیه مکلف به تبعیت از نظر دیوانعالی کشور نیست و می‌تواند رای اصراری صادر کند و در صورت صدور رای اصراری بر اساس علل و اسبابی که حکم منقوض مبتنی بر آن بوده است اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدید نظر دارند درخواست نقض آن را نماید، رسیدگی به این درخواست باید در جلسه عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوانعالی کشور مستقر



(۴)

در تهران، حسب مورد بعمل آید و اگر آن حکم مستندا "بهمان سبب یا اسبابی که موجب نقض حکم اول شده بود نقض شود دادگاهی که رسیدگی به دعوی به آن ارجاع می شود مکلف است که از نظریات مذکور تبعیت نماید.

ماده ۷- آرای زیر قابل تجدید نظر است:

۱- در امور مدنی:

- الف - حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد.
 - ب - حکمی که مستند به اقرار قاطع خوانده در دادگاه نباشد.
 - ج - حکمی که مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا "رای آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد.
 - د - طرفین دعوی کتبا "حق تجدید نظر خواهی خود را ساقط نکرده باشند.
- در صورتی که حکم راجع به متفرعات دعوی باشد وقتی قابل تجدید نظر خواهد بود که حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدید نظر باشد.
- ۲- در امور کیفری در صورتی که مجازات قانونی جرم بیش از سه ماه حبس یا یک میلیون ریال جزای نقدی باشد.
- تبصره - احکامی که در مرحله تجدید نظر صادر می شود بجز مورد مذکور در ماده (۶) این قانون (در خصوص رای اصراری) قابل تجدید نظر مجدد نیست.

ماده ۸- جهات درخواست تجدید نظر بقرار زیر است:

- ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، در شهود.
 - ۲- ادعای مخالف بودن رای با قانون.
 - ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای.
 - ۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلائل یا مدافعات.
- تبصره - اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدید نظر در صورت وجود جهتی دیگر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.



(۵)

ماده ۹- در موارد مذکور در ماده قبل اشخاص زیر حق درخواست تجدید نظر را دارند .

۱- در مورد آرای حقوقی ، محکوم علیه و بطور کلی هریک از طرفین که از رای دادگاه متضرر می شود .

۲- در مورد آرای کیفری :

الف - متهم از جهت محکومیت خود .

ب - شاکی خصوصی از جهت براءت متهم یا از حیث ضرر و زیان .

ج - دادستان از جهت براءت متهم یا قلت مجازات یا عدم انطباق حکم بر موازین قانونی .

۳- قاضی صادر کننده حکم نیز چنانچه مجتهد جامع الشرط نباشد می تواند چنانچه به اشتباه قانونی یا

شرعی یا عدم صلاحیت خود پی ببرد درخواست نقض حکم خود را نماید .

ماده ۱۰- مهلت درخواست تجدید نظر برای اشخاص ساکن ایران (۲۵) روز برای اشخاص ساکن خارجه (۲) ماه

از تاریخ ابلاغ رای می باشد و نحوه درخواست همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی و قانون آئین دادرسی کیفری مقرر شده است . متقاضی تجدید نظر در امور حقوقی باید دادخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای مورد درخواست تجدید نظر یا به دفتر مرجع تجدید نظر یا به دفتر دادگاه محل اقامت خود ، تقدیم نماید و در امور کیفری می تواند درخواست تجدید نظر را به مراجع مذکور یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است ، تسلیم نماید .

مدیر دفتر دادگاهی که دادخواست یا درخواست تجدید نظر به آن دفتر داده شده است باید بلافاصله آنرا ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی تجدید نظر و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست تجدید نظر همان تاریخ را قید نماید . این تاریخ ، تاریخ تجدید نظر خواهی محسوب می گردد و در مواردی که درخواست به دفتر بازداشتگاه داده می شود آن دفتر باید رسید مذکور را بدهد و تاریخ تسلیم درخواست به دفتر بازداشتگاه تاریخ درخواست تجدید نظر محسوب می شود و بلافاصله این درخواست باید به دفتر دادگاه صادر کننده حکم ارسال شود .

مدیر دفتر دادگاه صادر کننده رای مورد درخواست تجدید نظر و همچنین مدیر دفتر دادگاه محل اقامت متقاضی تجدید نظر که درخواست یا دادخواست تجدید نظر به آن داده شده است مکلف است که پس از ثبت درخواست یا دادخواست ، بلافاصله آنرا به دفتر مرجع تجدید نظر ارسال نماید .

تبصره ۱- دادرس در پایان رای صادره قابل تجدید نظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدید نظر را معین خواهد نمود .



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور
(۶)

اداره قوانین شورای نگهبان
شماره برگه ۱

تبصره ۲- اگر متهم در دادگاه حاضر و رای به او اعلام شده باشد، ابتدای مهلت از همان تاریخ اعلام خواهد بود و در این مورد محکوم علیه می تواند درخواست تجدید نظر خود را زیر رای دادگاه بنویسد یا شفاها "اظهار نماید". در مورد اخیر منشی دادگاه باید مراتب را زیر رای قید نموده و به امضای اشرانگشت محکوم علیه برساند و خود نیز آنرا امضا نماید و نیازی به دادن دادخواست علیه خود نخواهد بود.

تبصره ۳- هرگاه ثابت شود که بعلت قوه قاهره (فورس ماژور) امکان استفاده از حق تجدید نظر خواهی در مهلت های مقرر نبوده است، ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قاهره خواهد بود.

ماده ۱۱- متقاضی تجدید نظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدید نظر تصریح نماید مگر اینکه آن جهت بعداً "حادث شده باشد که در صورت اخیر می تواند برابر مقررات اعاده دادرسی، اقدام کند.

ماده ۱۲- در صورتی که تقاضای تجدید نظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد اجرای حکم تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدید نظر متوقف خواهد شد.

ماده ۱۳- آرای صادره از حیث قطعیت یا عدم قطعیت تابع قانون زناح و مدوژآتهای باشد.

ماده ۱۴- هرگاه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور آرای قطعی یا قطعیت یافته هر یک از محاکم تالی را (اعم از محاکم حقوقی و کیفری و مدنی خاص و نظامی و انقلاب) مخالف قانون بدانند می توانند از دیوان عالی کشور درخواست نقض آنرا بنمایند.

تبصره- استفاده از این ماده فقط یکبار ممکنست و اگر یکی از دو مقام مذکور در این ماده درخواست تجدید نظر کرد باشد مقام دیگر، آن حق را نخواهد داشت.

ماده ۱۵- قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۶ و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در قسمتی که مغایر است لغو می شود.

وزیر دادگستری

رئیس جمهور

۱۳۶۷/۷/۲۶
۱۴۰۰/۷/۲۶